

## فصل یکم

«جنگ با ویروس» جنگی با ماست

۱. ضربه‌ای جهانی<sup>۱</sup>. ۲. تبانیِ مثله‌شدگان. ۳. روشنایی‌های هراس‌افکنی<sup>۲</sup>.

۱.

ضربه‌ای جهانی بود.

تهاجمی از سوی همه‌ی شیاطین، بی‌حد و مرز، صاعقه‌آسا، جانبی. حمله‌ای پهبادی به موقعیتِ جهانی، زیر آفتاب نیمروزی، به‌هنگامی که مردمِ خوبِ "اهل زمین" آماده‌ی رفتن به سر سفره می‌شدند.

اعلام بدون آماده‌باشِ یک وضع جدیدِ نهفته، لنگان، اما آماده‌ی ورود به صحنه. نیمی از مردم جهان در حصرِ خانگی - تعلیقِ فوریِ همه‌ی عادات، همه‌ی اطمینان‌ها، همه‌ی زندگی.

سپس، بمباران، فرشی از بمبِ گسترده در هر لحظه، بمب‌های روانی، واژگانی، رایانه‌ای و اطلاعاتی.

بمبارانی که دیگر قطع نشد.

اطلاع‌رسانی همواره اطلاع‌رسانیِ جنگی بوده است. در چنین چارچوبی زاده

شده و هرگز جز به این منظور به کار نرفته است، به‌ویژه «در زمان صلح». حقیقت‌اش هیچ‌گاه در آنچه می‌گوید نبوده است، بلکه در عملیاتی بوده که انجام می‌داده، عملیاتی به خواناییِ یک سرّ نهانی در چهره‌ی کسی. بدا به حال کسانی که آن را نمی‌بینند.

جهانی که در درازنای سریال‌ها، رمان‌ها، بازی‌های تلویزیونی، کتاب‌راهنماهای کاردانی، به اعلانِ برتریِ تزویر و جذابیت‌های فریب‌کاری مشغول است، می‌خواهد که همه قول‌اش را باور کنند.

این به نظر گروتسک می‌رسد.

اما گروتسک جز با هراس‌افکنی حفظ نمی‌شود.

پس، مسأله فقط ارباب بوده و بس.

که این هم دیگر هرگز قطع نشد.

از آن‌جا که منحرفانِ روانی امپراتوری‌شان را فقط با تشدیدِ اجحاف‌هاشان حفظ می‌کنند، تهاجم مزبور هم خود را تنها به شرطی پیروز می‌داند که مدام پیشروی کند.

ماکیاول توصیه کرده بود: «آسیب‌ها باید باهم رسانده شوند تا مهلتی برای چشیدن مزه‌شان نباشد»<sup>۳</sup>.

در کلمبیا، پلیس با رفتن به منزل مخالفان سیاسی آن‌ها را به‌یمن حصر خانگی مستقیماً سرب‌ه‌نیست می‌کند.

در هندوستان، به سر و روی نجس‌ها آب ژاول می‌پاشند تا آن‌ها را «ضد عفونی» کنند.

در سریلانکا، «به دلیل ویروس کورونا» به مسلمان‌ها اجازه نمی‌دهند مردگان خود را به خاک بسپارند. و چون سوزاندن اجساد ممنوع است، به آنان پیشنهاد می‌کنند برای تدفین به جای دیگری بروند.

در اسرائیل، این تدابیر ضد تروریسم است که «موارد تماس» را به جرگه می‌اندازد

و نخست‌وزیر واکسن‌نژده‌ها را «بمب‌های ساعتی» می‌نامد.



در استرالیا، در نیمه‌ی ماه اوت ۲۰۲۱، برنامه‌ای رسانه‌ای از شکار آدم توسط پلیس به راه می‌افتد تا یک «فراری کووید» را، شخصی به نام آنتونی کارام که در نشانی قرنطینه‌اش حضور ندارد، پیدا کند. شخص یادشده از قضا نه کاملاً سفیدپوست است، نه خالصاً انگلوساکسون، نه کاملاً پروتستان. سرانجام پلیس این فرد را، که «دشمن شماره یک سلامت عمومی» می‌نامدش، در هتلی روبه‌روی خانه‌اش گیر می‌اندازد، با روپوش سفید مخصوص او را مقابل دوربین‌ها می‌کشاند و سپس روانه‌ی زندان می‌کند تا در انزوا باشد.

در ایتالیا، در واکنش به صف‌های اعتراض علیه «گذرنامه‌ی سبز» که به مدرکی اجباری برای رفتن به سرکار تبدیل شده است، هیئت دولت با دعای خیر مراکز سندیکایی هر گونه تظاهرات در مراکز شهری را ممنوع می‌کند. البته مردم می‌توانند در حومه‌ی شهرها، با زدن ماسک به صورت و با رعایت یک متر فاصله از یکدیگر دست به **تحصن** بزنند.

در هنگ‌کنگ، کری لام Carrie Lam، رئیس قوه‌ی مجریه که چیزی نمانده بود شورش عمومی ۲۰۱۹ کارش را یکسره کند، انتقام خودش را می‌گیرد و

عملیات «حصر و کمین» در محله‌های مردمی راه می‌اندازد - پلیس محله را محاصره و همه را کنترل می‌کند.

در سنگاپور، پس از به‌کارگیری سگ-روبات‌های ساخت شرکت آمریکایی Boston Dynamics که در ماه مه ۲۰۲۰ به روی عابران پارس می‌کردند تا «فاصله‌ی اجتماعی» را رعایت کنند، حالا نوبت روبات Xavier اِگزاویه، بود تا با گشت در خیابان‌ها به تعقیب دودی‌ها، فروشندگان دوره‌گرد و کسانی بپردازد که جرأت تجمع بیش از پنج نفره، یعنی حد مجاز قانون بهداشتی، پیدا کرده‌اند. هیئت نمایندگی وزارتِ فرانسه در «بخش صنایع امنیتی و مبارزه با تهدیداتِ سایبرنتیک» علاقه‌ی ویژه‌ای به این گونه آزمایش‌ها دارد.

در بهار ۲۰۲۰، یک دوست قدیمی - که بی‌بروبرگرد یک زنِ تورویستِ قدیمی محسوب می‌شود - زمانِ معلقِ حصر خانگی عمومی را با چند تا از زنان همسایه‌اش با خواندنِ شعرهای باب‌پسند و بابِ دل‌خود، هر کدام از پنجره‌های خانه‌شان، می‌گذراند. این‌ها خیلی زود نامه‌ای دریافت می‌کنند از سوی انجمن مالکان آن محل مسکونی که از آنان می‌خواهد هرچه زودتر این آبروریزی را پایان دهند، چه معنی دارد داشتنِ اوقاتِ خوش «در اثنا‌یی که دیگران دارند می‌میرند»!

چنین است جهانی که دیگر نمی‌تواند بر خود مسلط باشد وقتی مسأله‌ی خالی کردنِ غضب‌اش باشد علیه هر آن چه هنوز جرأت نفس کشیدن دارد - جوانان، فقیران، رقصندگان، بی‌خیالان، نابه‌هنجاران.

در همه‌جا، آن ستم و خفقانی که کسی به سیاسی بودنِ آن اعتراف نمی‌کرد از این پس زیست‌سیاسی بودن‌اش را اعلان می‌کند: فرمان‌رواییِ آمارِ تحقق‌یافته. رؤیای همه‌ی حکومت‌ها کشور چین است.

فقط آن‌ها هستند که می‌توانند چنین رؤیایی در سر بپرورانند.

این همه هراس افکنی جلدی نیست.

برخاسته از جهانی پایان یافته است که نمی خواهد پایان یابد. که چیزی جز این خواستِ تهیِ دوام آوردن نیست. که تخته بندِ قهقه‌ای بسیار مُسری است. جهانی که هر روزی نشان‌دهنده‌ی ورشکستگی آن، در میان دو تبلیغِ بازرگانی برای شرکت تجاری آینده و سفرهای میان‌ستاره‌ای، است. رعب و وحشتی که می‌گستراند رعب و وحشتی است که خود احساس می‌کند.

همان‌هایی که بر خود می‌لرزند آشکارا تصمیم گرفته‌اند که ضربه‌ای عظیم بزنند. ضربه‌ای عظیم برای احیای اقتدار ازدست‌رفته و محدوده‌های رو به افول‌شان.

اما دیگر هیچ چیز نمی‌تواند اقتدار و مرجعیتِ رسانه‌ها و حکومت‌ها، سیاست و فرهنگ، علم و صنعت - سرمایه در تمام اشکال‌اش - را احیاسازد: هر گونه اقتدار هر تابستان در آتش‌زارهای سیاره‌ای می‌سوزد و بازمی‌سوزد. در هر سیلِ بی‌سابقه و هر طوفانِ نابهنگامی غرق و بازغرق می‌شود. در هر شبانه‌روز در زیر سیلابِ دروغ‌هایی که پیاپی برای بقای خود می‌پراکند فرومی‌رود و دفن می‌شود.

تکنولوژی هیچ درمانی برای خساراتِ تکنولوژی عرضه نخواهد کرد.

این جهان قادر به پرش از روی لاشه‌ی خود نخواهد بود.

ضربه‌ی عظیم‌اش نومیدانه است.

همین که تقریباً با هیچ مقاومتی روبه‌رو نشده برای اثبات این نکته کافی است که چقدر همه چیز پا در هواست.

## پی‌نوشت‌ها

۱. جناس میان دو عبارت coupe du monde (کوپ دو موند، جام جهانی) و coup du monde (کو دو موند، ضربه‌ی جهانی)
۲. در برابر کلمه‌ی terreur در این ترجمه اغلب "هراس افکنی" گذاشته‌ایم. باید معانی ترور، رعب و وحشت را هم در نظر داشت.
۳. در متن اصلی ایتالیایی جمله‌ی کامل این عبارت چنین است:

Perchè le ingiurie si debbono fare tutte insieme, acciocchè assaporandosi meno, offendino meno

نقل قولی که در این جا آمده، یکی از گونه‌های ترجمه‌شده متن ماکیاول به فرانسوی است، اما در همه‌ی این ترجمه‌ها معنای فعل assaporare "چشیدن" حفظ شده است. معنای کل عبارت کم‌وبیش چنین است که درد، زخم یا گزند و آسیب‌ها باید با هم اعمال شوند تا مزه، یا طعم تلخ‌شان کمتر چشیده و حس شود، و بنابراین کمتر اهانت آمیز و آزارنده باشند.

در ترجمه‌ی فارسی کتاب «شهریار»، توسط داریوش آشوری از روی نسخه‌ی انگلیسی این جمله این گونه ترجمه شده: "زخم را یک‌باره می‌باید زد تا درد آن اندک - اندک از یاد برود". که با معنای متن اصلی چندان نمی‌خواند.